



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

کتابخانه



عبدالله بن عباس  
رضی الله عنه



# نینوا معبر انتظار

مصباحی سحرآمیز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نینوا معبر انتظار

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مهر محبوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵..... فهرست

۶..... نینوا معبر انتظار

۶..... مشخصات کتاب

۶..... پیوند عمیق فرهنگ عاشورا با فرهنگ انتظار

۱۳..... پاورقی

۱۴..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سرشناسه: سهرابی، صادق  
عنوان و نام پدیدآور: نینوا معبر انتظار / صادق سهرابی.  
مشخصات نشر: تهران: مهر محبوب، ۱۳۸۳.  
مشخصات ظاهری: ۳۲ص.  
شابک: ۳۵۰۰ ریال ۹۶۴۹۵۰۱۰۰۲؛ ۴۰۰۰ ریال (چاپ دوم)  
یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۵.  
یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۱] - ۳۲  
موضوع: عاشورا -- نتایج و تاثیرات  
موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق. -- تاثیر  
موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق  
موضوع: مهدویت -- انتظار  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- غیبت  
رده بندی کنگره: BP۴۱/۷۶/س ۹ن ۹  
رده بندی دیوبی: ۲۹۷/۹۵۳۴  
شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۲۱۸۹۰

### پیوند عمیق فرهنگ عاشورا با فرهنگ انتظار

«فرهنگ عاشورا»، پیوندی عمیق و ارتباطی ناگسستنی با «فرهنگ انتظار» دارد. واقعه عاشورا، زمینه‌ساز و مقدمه ظهور امام عصر (عج) است و معارف و حکمت‌های جاودان آن، در «ظهور مهدی موعود» متجلی است. با بررسی و دقت، در حدیث قدسی «زیارت عاشورا» و «زیارات مربوط به امام زمان (عج)» در می‌یابیم که «نینوا»، معبر «انتظار است»؛ یعنی، برای رسیدن به ظهور مهدی موعود، باید از گذرگاه کربلا- عبور کنیم. زیارت عاشورا نیز در واقع، تحلیلی برای معبر بودن نینوا برای انتظار است. درس‌ها و پیام‌های عاشورا، چراغ‌های فرا راه شیعیان است تا با دیدی روشن و بصیرتی افزون، منتظر «ظهور» باشند و آماده قیام و مبارزه شوند. «السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور»؛ [۱] سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خونش، وای تنهای رها شده «حسین (ع)» خون خدا است که در «عاشورا» به جوشش در آمد و به شریان تاریخ انسان و اسلام، حرکت و حیات بخشید. این خون خدا از دشت گلگون نینوا، قلب‌های مؤمنان و عاشقان را به تپش در آورد و چنان آتش و شری به جان‌ها زد که هرگز سردی و خاموشی نخواهد داشت: «ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً». [۲] این رود جاری خون خدا، از آن دشت خونبار، برای همیشه قلب تاریخ را سیراب، زنده و متحرک خواهد ساخت و هرگز نخواهد گذاشت جهل و نادانی‌ها - هر چند مدرن - و حیرت در ضلالت و گمراهی، بندگان خدا را نابود سازد؛ بلکه سرور شهیدان تاریخ، جان خویش را در راه خدا بذل و بخشش کرد؛ تا بندگان او را از تمامی جهالت‌ها و سرگردانی‌ها رهایی بخشد: «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله». [۳] و این شور آفرینی آن اسوه عشق و آزادگی، هیچ خاموشی ندارد و این حرارت حسینی، سرد یا منحرف نمی‌شود. دشمنان او، بارگاه

نورانی‌اش را تخریب کردند و قبر مطهرش را به آب بستند؛ زائرانش را شهید کردند و دست و پای آنان را بریدند... ولی نتوانستند این «گرمی و عشق» و «شور و شعور» را از بین ببرند. این شعله عشق و مشعل رهنمای تاریخ، جریان خود را در نهضت‌ها و انقلاب‌های دینی - به خصوص در انقلاب اسلامی ایران به خوبی نشان داده است و می‌رود تا حسینیان با فریادهای «این الطالب بدم المقتول بکربلا» ندای امام حسین (ع) را پاسخ دهند و به جهانیان بنمایانند که دیگر سیدالشهدا (ع) تنها نیست. «سلام بر تو و بر ارواحی که به آستان تو فرود آمده، و با تو دفن شدند؛ سلام و درود خدا از جانب من بر همه شما باد؛ سلامی پیوسته و همیشه تا زمانی که باقی هستم و تا زمانی که شب و روز باقی است. سلامی به فراخانی هستی و پهنای تاریخ». این «سلام»، زبان «گویا و ترجمان» همان حرارتی است که در دل‌ها افکنده‌ای و آتشی است که از عمق وجودمان شعله می‌کشد. سلام ما، معرفت به جایگاه والا و رفیع شما و محبتی سرشار از عشق به شما است و فریاد معرفت و محبت به شما است که «اسوه همه پاکی‌ها و خیرها» هستید. سلام ما زمزمه «شناخت و عشق» از حجت خدا و تسلیم بودن به آستان شما است. سلام ما بر شما، اسلام و مسلمانی ما است که نمایانگر سه حیطه «شناخت»، «عشق» و «اطاعت» است و این معرفت ما شیفتگان به پاکان هستی است. ما معرفتی به ساحت مقدس شما یافته‌ایم و فهمیده‌ایم که خداوند شما را پاک آفریده و از تمامی پلیدی‌ها آراسته کرده است. اصل و اول و آخر تمامی خیر و خوبی، شماست و این معرفت ما، ماندگار است، چون شما ماندگارید و زبان گویای معرفت ما به شما (سلام) نیز ماندگار و جاودانه باد. «و ما بقیت و بقی اللیل و النهار». ای کسی که پیامبر خدا، «اباعبدالله» را بر قامتت صلا زد؛ زیرا تو پدر عبودیت هستی و در سایه پدری و ولایت و رهبری تو، می‌توان به آستان عبودیت حقّ ره یافت. تو تاریخ بشر را که می‌رفت در جهالت مدرن و سرگردانی و گمراهی غوطه ور شود، نجات دادی؛ ولی این رهایی بشر و هدایت تاریخ، به بهایی بسیار گران تمام شد. «عزا و ماتم بزرگ»؛ و «مصیبت سترگ»، بر ما و تمامی اهل اسلام چیره گشت و آسمان‌ها و تمامی ساکنان آنها را فرا گرفت و سیه پوش ساخت، برسند دین به جز حب و بغض چیز دیگری نیست زیرا نمی‌توان فطرت پاک انسان‌ها را از پاکی‌ها جدا کرد و نمی‌توان به زشتی‌ها و پلیدی‌ها، دلبند و مهربان ساخت. آن‌جا که سخن از «پاکی‌ها» است، کبوتر «سلام» بال می‌گشاید و آن‌جا که سخن از «پلیدی‌ها» است، آتش لعن شعله می‌کشد. اینها، اموری طبیعی و فطری است و تعارف بر نمی‌تابد. هیچ کس با قاتل پدرش، نرد عشق نمی‌بازد و با کشنده پدر عبودیت و کشتی نجات بشر، سرآشتی ندارد. از این رو «سلام» ترجمان تولی و «لعن» زبان تبری است. ایمان دو رو دارد: «تولّی و تبری و حبّ و بغض». داستان لعن، ریشه در دشمن‌شناسی شیعه دارد و در نگاه آنان، دشمنان به لحاظ جامعه شناختی و روان‌شناختی، جایگاه و اقسام خاص خود را می‌یابند. مؤسسان ظلم و جور، از آن‌جایی که به جهت حقد، حسد و... تحمل پاکی‌ها را نداشتند، با طرّاری سیر حقّ را به طور مداوم رصد کرده، در کمین نشستند؛ تا آن‌که در فرصت تاریخی، نقشه شوم و پلید خود را به تصویر کشیدند. آنان با رسول پاکی‌ها در بالین و بستر بیماری آن کردند که تنها آنان می‌توانستند آموزه‌های شیطانی را این‌گونه طراحی و طرّاری نمایند و نفس و جان رسول خدا را خانه نشین کنند. مؤسسان ظلم و جور، با شگرد و شیوه شیطانی خود، وارد میدان شدند و با همراهی یک جریان پلید، پاکان را از «مقام» بلند خود «دفع» کردند؛ یعنی، اول جایگاه و مقام آنها را نشانه رفتند و تضعیف نمودند. در آن برهه، نقل احادیث نبوی ممنوع شد و اگر کسی اقدام به نشر احادیث می‌کرد، با ضرب و شتم و تبعید و قتل مواجه می‌شد. آنان در ظرف این مدت طولانی، روایات جعلی فراوانی را در مدح دشمنان اهل بیت (ع) منتشر کردند. هدف آنان این بود که «مقام» امام علی (ع) را تنزل دهند و شخصیت حقیقی و حقوقی آن حضرت را ترور کنند و در مقابل، تمامی مناقب و ویژگی‌هایی را که پیامبر اکرم (ص) برای امیر مؤمنان (ع) بیان فرموده بوده مشابه سازی کردند و برای اشخاص مورد نظر و دشمنان خاندان عصمت و طهارت نقل و منتشر نمودند، حتی وضع به گونه‌ای بود که آن افراد را، هم تراز و گاهی بالاتر از پیامبر (ص) مطرح می‌کردند. با این راهبرد و شگرد، در صدد آن بودند که «مقام» و منزلت این پاکان هستی را خدشه دار کنند و تنزل دهند. وقتی از حیث شخصیتی ایشان را تخریب کردند، دیگر زمینه برای قتل و شهادت آنان سهل و آسان

می نمود. وضع به گونه‌ای گشت که حضرت علی (ع) را در محراب شهید کردند و مردم با شگفتی می‌پرسیدند: علی در محراب چه می‌کرد؟ مگر او اهل نماز بود؟ این جریان تا زمان امام حسین (ع) بسیار شدید ادامه داشت تا آن‌که جهالت مدرن، در جهان اسلامی سایه گسترده راهبرد و استراتژی دشمن آن بود که «پاکان» و «خاندان طهارت» را، از مقامشان دفع کنند و «مراتب» و رتبه‌های بلندی را که خداوند، برای آنان مقرر فرموده بود، از بین ببرند: «و لعن الله امهً دفعتکم عن مقامکم و ازالکم عن مراتبکم الّتی رتبکم الله فیها». در این بستر سازی‌ها و در فاصله کوتاهی پس از رحلت نبی اکرم، جاهلیت مدرن تحت لوای اسلام و به نام اسلام، «ارکان دین» را به شهادت رساندند. دست پلید آنان تا مرفق به خون خدا آغشته گشت: گروه دیگر از دشمنان در نگاه شیعه «ممهّدین و زمینه سازان قدرت» ظلم و جور علیه اهل بیت می‌باشند. آنان عده‌ای از خواص جامعه بودند که به جهت جیفه پست دنیا، از پاکان فاصله گرفتند و با «مؤسسان ظلم و جور» کنار آمدند. این خواص آن زمان، با استفاده از وجاهت و سابقه خود، به تسلط شیطان یاری رساندند و زمینه سازان و مقدمه‌چینان تمکن و قدرت دشمنان برای قتل اولیای خدا شدند: «و لعن الله الممهّدین لهم بالتمکین من قتالکم». من پس از درک این همه درد و رنج خوبان و پاکان، نمی‌توانم بی تفاوت باشم؛ از این رو فریاد برائت بر می‌کشم و به خداوند و به شما پاکان اعلام می‌دارم که من از آنان (مؤسسان و مهّمهدان) بیزارم و آماده جنگ با آنها هستم. من سر آنان را به سنگ خواهم کوفت و در این راه، از جان و مال خود مایه خواهم گذاشت. من از «اشیاع»، «اتباع» و «اولیای» آنها هم بیزارم و با آنان سر جنگ دارم. گروه دیگر از دشمنان، همین سه دسته یاد شده‌اند. دشمنان پاکان، گروه مؤسّسین داشتند که با راهبرد «دفع مقام» و «ازاله مراتب»، دشمنی خود را کلید زده بودند و جاده صاف کنان و زمینه سازانی داشتند که «ظلم و جور» مؤسّسان را مقدمه چینی و فرهنگ سازی می‌کردند و نظریه پرداز آنان بودند. گروه آخر، شامل سه جریان اشیاع، اتباع و اولیای آنها بود. اینها بدنه مردمی را تشکیل می‌دادند که «اشیاع»، مقربین به مرکز ظلم و جور؛ «اتباع»، نیروهای اشیاع و دست پرورده آنان؛ و «اولیاء»، بدنه پایین و توده تأثیرپذیر از فرهنگ شرک و کفر بود. من از تمامی آنها برائت و بیزار می‌باشم. بی تفاوت نیستم؛ زیرا قلب من حرارتی از خون خدا، در خود دارد که غیرت و آزادگی را در رگ‌هایم جاری می‌کند و این گونه است که «فرهنگ عاشورا» شکل و جریان می‌یابد و عاشورائیان را به صحنه می‌آورد. آنان فریاد بر می‌کشند: «یا ابا عبدالله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه؛ [۴] ای پدر بندگی و عبودیت! همانا من در صلح هستم، با کسی که شما با او در صلح هستید و در جنگ هستم، با آن که شما در جنگ با او هستید و این راهبردی است همیشگی و تاقیامت یک جریان ایستا و محدود نمی‌باشد». تا زنده هستم، با این استراتژی زیست می‌کنم و آن را به فرزندان خود و دیگران، می‌آموزم و توصیه می‌کنم؛ زیرا من وظیفه دارم در مدار حقّ باشم و حقّ را به دیگران سفارش کنم و به آنان بگویم همواره باید در مسیر حفظ این حقّ، صبر پیشه کنند: «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر». [۵] تا زنده هستیم و تاقیامت، این معرفت، محبت و اطاعت همراه ما بوده و در برزخ و قیامت، شاهدی بر حقانیت ما خواهد بود. بر اساس «فرهنگ عاشورا»، این راهبرد را دست مایه عملی خود ساخته‌ام و «عنصرشناسی» را در ادامه دشمن‌شناسی خود، پی‌جویی می‌کنم و نفرت و لعن خویش را اظهار می‌سازم: «و لعن الله آل زیاد و آل مروان و لعن الله بنی امیه قاطبه و لعن الله ابن مرجانه و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمراً و لعن الله امه اسرجت و العجت و تنقبت لقتالک». جای جای هر یک از عناصر را در تحلیل دشمن‌شناسی خود، به خوبی برآورد می‌کنم و وزن و جایگاه آنان را در ضربه زدن و دشمنی نمودن ارزیابی می‌کنم تا برائت و بیزار می‌باشم، مؤثر باشد و راه را برای حقّ باز نمایم. من باید یار و یاور ولی خدا باشم که شرط آن هوشیاری است. پدر و مادرم فدایت یا حسین! چه عظیم و بزرگ است مصیبت‌های شما بر من و این درد بر من بسیار سنگینی می‌کند. ناله‌ای جان سوز و بلند دارم و از خدایی که مقام بلند شما را گرامی داشت و مرا هم به واسطه شما کرامت فرمود، درخواست می‌کنم که: «ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (ص)؛ روزی من گرداند خون‌خواهی و انتقام‌گیری از خون تو را با امام پیروز و یاری شده از اهل بیت حضرت محمد». (ص) و تا زمانی که این انتقام محقق نشود، سنگینی



مصیبت‌های تو، مرا بی‌تاب و بی‌قرار خواهد کرد. امام حسین (ع) با هدایت و رهبری ویژه خود حرکت تاریخ را عوض کرده، آن را از مرگ همیشگی نجات داد و بشریت را از هلاکت حتمی رهایی بخشید. کاروان هدایت تاریخ، در جهت نتیجه بخشی و به هدف رسیدن در حال حرکت است؛ اما در این حرکت و جریان، هنوز سختی و تلخی مصائب حسین (ع) را در جان و ذائقه خود احساس می‌کنیم و تا بر آمدن شکوفه «فرج»، «مرارت انتظار» را تحمل می‌نماییم. امام صادق (ع) فرمود: «ان لصاحب هذا الامر غیبه التمسک فیها بدینه کالخارط لشوک الفتاد بیده [۶]؛ برای صاحب این امر (قائم آل محمد) غیبتی خواهد بود که متمسک به دین او کارش به قدری دشوار است که همانند آن ماند که بخواهد چوب خاردار بسیار سخت را، با دستانش بکشد و صاف کند». در این قسمت از زیارت عاشورا و حدیث قدسی، به خوبی پیوند و گره خوردن «فرهنگ عاشورا» با «فرهنگ انتظار» را می‌بینیم، به طوری که این مضمون در قسمت دیگر زیارت عاشورا، تکرار شده است؛ یعنی؛ در دو مورد از زیارت عاشورا این عبارت آمده است. در دعای ندبه هم می‌خوانیم: «این الطالب بدم المقتول بکربلاء». به راستی راز و رمز این پیوند چه می‌تواند باشد؟ چرا در عیدهای فطر، قربان و... این همه سفارش به دعای ندبه و زیارت امام حسین (ع) شده است. گویا بنا است، این دو فرهنگ پیوسته و به صورت همگام و همراه، زنده باشد و در لایه‌های «اندیشه»، «فرهنگ» و «عینیت» عموم مردم، جلوه‌گری کند. «وترین موتورین» [۷] نیز هر دو با هم یاد شوند و یکی به عنوان پشتوانه فرهنگی و معبری برای آن دیگری باشد. پس می‌توان گفت که: «نینوا، معبر انتظار است». این حقیقتی است که دشمنان هم به آن رسیده‌اند. آنها در مطالعات شیعه‌شناسی خود، اعلام داشته‌اند: شیعه با توجه به «پرچم سرخ عاشورای حسینی»، به عنوان پیشینه و عقبه فرهنگی خود و از طرف دیگر با «چشم انداز پرچم سبز مهدوی»، از فرهنگی پویا و بالنده برخوردار است. آنها برای مبارزه و تخریب این دو فرهنگ و شکستن این دو پرچم، برنامه‌های راهبردی به پا ساخته‌اند؛ از جمله فیلم‌هایی مخصوص برای تضعیف فرهنگ ساخته‌اند. دشمن دریافته است که پیوندی خاص و راهبردی، بین فرهنگ انتظار و عاشورا وجود دارد و بر ما شیعیان است که از این راز و پیوند، دریافت مناسب و به هنگام داشته باشیم و آن را به «پیام و بیان» مطلوب برسانیم. بر ما است که بدانیم چرا در حدیث قدسی زد زیارت عاشورا «از سیدالشهدا (ع): و در «زیارات حضرت مهدی» از امام عصر به عنوان «وتر موتور» (تنهای رها شده) یاد شده است. با دریافت درست از این مفاهیم، می‌توانیم ندای «این الطالب بدم اثقتول بکربلاء» را در فضای جهان، به عنوان فرهنگ پویا مطرح نموده، فریاد کنیم و بنالیم که: «عزیز علی أن ابکیک و یخذلک الوری؛ گران است بر من این که برای تو گریه کنم و مردم تو را خوار و سبک بشمارند». [۸]. و با این و شعور و شعور است که می‌خواهیم نصرت و یاری خود را برای «مهدی تنها» آماده ساخته و فریاد «هل من ناصر» حسین تنها مانده را پاسخ دهیم. در حدیثی از عیسی الخشاب آمده است: قال: قلت للحسین بن علی: انت صاحب هذا الامر؟ قال (ع): لا، و لکن صاحب هذا الامر الطرید الشرید الموتور بایه المکنی بعمه یضع سیفه علی عاتقه جانیة شهر». [۹]. بعد از ذکر عبارت «أَنْ یَرْزُقَنی طَلَبُ ثَارِکِ مَعَ اِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ (ص)»، از خداوند چنین می‌خواهیم: خدایا! مرا در پیشگاه خودت به واسطه حسین (ع) در دنیا و آخرت آبرومند قرارده: «اللهم اجعلنی عندک وجیهاً بالحسین (ع) فی الدنیا و الآخرة». اگر می‌خواهیم در پیشگاه خالق خویش آبرومند گردیم، راه آن، این است که از «باب الله» به آستان ربوبی خداوند در آییم. این گونه می‌توان «وجهه» و آبرویی در بارگاه ایزدی به دست آورد. امام حسین (ع) «باب الله» است و می‌توان با آن در نزد خدا کسب وجهه نمود. از خداوند می‌خواهیم که خون‌خواهی خون خدا را، «رزق» و روزی ما قرار دهد؛ رزقی که به همراهی با امام منصور (مهدی) می‌باشد و این گونه می‌خواهیم در درگاه الهی وجیه و آبرومند باشیم. کسانی که نتوانسته‌اند در رکاب حسین (ع) جان ببازند و در نزد خدا وجیه گردند و آبرویی یابند؛ باید دعا کنند تا خداوند آنها را از این رزق و روزی را از آنها محروم نسازد و «مرارت انتظار» را به جان بخرند و به «خیل منتظران» بار یابند. آنان باید این سرود عشق را زمزمه جان خویش سازند که: به حق حسین و آن کسی که مقامش را کرامت بخشیدی و از کرامتش مرا هم بهره‌مند نمودی، برای روزی کن تا در معیت مهدی فاطمه، خونخواه ثارالله باشم و بدین وسیله آبرویی در درگاه الهی کسب کنم؛

چون حسین رمز «وجاهت» و کلید «تقرب الی الله» است. داستان انسان، داستان «فوز و خوض» و همچون سرو سر به آسمان برکشیدن است و یا به زمین فرو رفتن. کسانی که در عصر عاشورا، هستی خود را به موج عشق سپردند و مستانه به راه افتادند، میوه «فوز» را چیدند و رفتند و ماندگان در راه باید در «خیل وصف منتظران»، به امامت و رهبری «امام منتظر» چشم بدوزند؛ تا آن امام همام از سفر باز آید و این در راه ماندگان «فوز عظیم» را به کاروان عاشورائیان برساند. ما در حال «انتظار» به ذکر عشق آرام می‌یابیم و می‌نالیم: «وَفُزْتُمْ فَوْزاً عَظِیماً، فِی‌الْیَتَنِی کُنْتُ مَعْکُمْ فَفَوْزٌ مَعْکُمْ»، «یا لیتنی کُنْتُ مَعْکُمْ فَفَوْزٌ عَظِیماً». شما رستگار شدید به رستگاری بزرگی؛ ای کاش ما هم با شما می‌بودیم و به همراه شما بدان نائل می‌آمدیم این امام عصر و پیرومند با نصرت خدا است که عقب ماندگان از کاروان «فوز و فائزان» را به مقصد می‌رساند، تا از «باب الله» سیدالشهدا (ع) کسب آبرو کنند. این جلوه‌ای از فلسفه خون‌خواهی «ثارالله» در رکاب فرزندش «مهدی فاطمه» است؛ زیرا «خون خدا» ریخته و به آن هتک حرمت شد. باید در هستی حریم «خون خدا» پاسداری می‌شد و بشود و تنها راه کسب «وجهه و آبرو» همین گرامی‌داشت و پاسداری از این «حرم و حریم» می‌باشد. کسانی که می‌خواهند به خیل آبرومندان در آیند، باید دل به دریای «انتظار» خون‌خواهی ثارالله بزنند؛ تا با خون‌خواهی او در رکاب مهدی موعود (عج) آبرومند بارگاه ایزدی گردند و به فوز و رستگاری نائل آیند. از همین رو است که: «انتظار الفرج من اعظم الفرج؛ [۱۰] انتظار، فرج خود از بزرگ‌ترین فرج‌ها است». ای پدر بندگی و عبودیت (یا اباعبدالله!) همانا من «تقرب» می‌جویم به خدا و به رسولش و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و به تو ای حسین! به موالات و دوستی متقابل با تو حسین و به وسیله برائت از دشمنان شما. «یا اباعبدالله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی امیرالمؤمنین و الی فاطمه و الی الحسن و الیک بموالاتک و بالبرائة [ممن قاتلک و ...] ممن اسس...» در این جا بحث از تقرب است: تقرب به خدا و تقرب به معصومین (ع)؛ زیرا این نورهای مقدس، اسمای حسناى الهی‌اند. این تقرب ورودگاهی می‌خواهد که آن پدر بندگی و عبودیت (اباعبدالله) و خون خدا است. حتی تقرب به خود سالار شهیدان، از همین منظر خواهد بود، باید برای این تقرب‌ها، از موالات امام حسین (ع) دستمایه گرفت و به وادی تقرب راه یافت. سیدالشهداء (ع) کلید آبرومندی و وجیه شدن در درگاه الهی است؛ زیرا ثارالله است و «حرم و حریم» الهی است و حرمت دارد. کلید «فوز» و رستگاری، سر بر کشیدن بر آسمان عبودیت و بندگی است. باید با سعی تلاش، خود را به صف «منتظران» کاروان خون خواهان «ثارالله» برسانیم تا وجهه یافته، به خیل متقربان به خدا و امام حسین (ع) بیوندیم و این گونه از دیار «نینوا»، معبری به کاروان خون خواهان حسینی بسازیم؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و مابدلوا تبدیلاً»، در میان مؤمنان مردانی‌اند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ برخی پیمان خود را به آخر بردند [و در راه او شربت شهادت نوشیدند] و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. عاشورائیان پیمان خود را به آخر بردند و مهدویان در «معبر نینوا» چشم انتظارند و آن عهده‌ای را که با خدای خود بسته‌اند (پاسداری از «حرم و حریم» ثارالله و خون خدا) از یاد نبرده‌اند آنان همیشه با خود زمزمه می‌کنند و هر صبحگاه، با امام عصر خویشت و یوسف گمشده فاطمه، تجدید عهد می‌نمایند و در «انتظار» فرج به سر می‌برند؛ تا در رکابش به خون‌خواهی «حرم و حریم» الهی و «ثارالله» برخیزند. راز و رمز «گره و پیوند» این دو فرهنگ، این گونه عقده می‌گشاید و رُخ می‌نماید. منتظران عشق هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود راه نخواهند داد، همچنان که مردان سترگ عصر عاشورا چنین بودند. روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که در روز عاشورا این گونه به همدیگر تعزیت و تسلیت بگویند: «اعظم الله اجرنا بمصابنا بالحسین (ع) و جعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد (ع)؛ [۱۱] خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی او حضرت مهدی از آل محمد (ع)، طلب خون آن حضرت کرده و به خون‌خواهی او برخیزیم». این است که مسأله خون‌خواهی «ثارالله»، امری مهم و جدی است و باید از این طریق در نزد خداوند کسب وجاهت و آبرو نموده، به درگاهش تقرب جویم و نزدیکی به درگاه امام حسین (ع) را نصیب خود

سازیم. برای این خون خواهی و دستیابی به ثمراتش، به «انتظار» امام منصور و یاری شده از طرف خدا بمانیم. آشکار است که «انتظار»، آداب و ادبیات لازم خود را می‌طلبد؛ از این رو باید در حوزه پیام و بیان به تبیین و تبویب آن همت گماریم و حوزه‌های اندیشه، فرهنگ و عینیت جوامع شیعی و اسلامی را با عطرِ نجوای «این الطالب بدم المقتول بکربلا» معطر سازیم و به هم پیوستگی این دو فرهنگ را روشن کنیم. در آویخته‌اند. در سایه «فرهنگ عاشورا»، دست مایه‌های غنی‌ای از جریان‌شناسی «ظلم و جور» به دست می‌آید از یک طرف با «پاکان و پاکی‌ها» و از طرف دیگر با «تمامی پلیدی‌ها و ناپاکان» مواجه هستیم در این صورت وجود ما، مالا مال از دوستی و موالات نیکان و برائت و بیزاری از ناپاکان می‌شود. «پلیدان تاریخ»، مؤسس «ظلم و جور» بودند و انتصاب خلافت و امامت و حیانی را به استهزا گرفتند. بنیان حکومت خویش را بر اساس ظلم و جور بنا کردند. و ستم‌های فراوانی به اهل بیت (ع) و شیعیان آنان، روا داشتند. «وبالبرائة ممن اسيس اساس ذلک و بنی علیه بنیانه و جری فی ظلمه وجوره علیکم و علی اشیاعکم»؛ من برائت و بیزاری خود را از این جریان سه گانه که به وسیله پلیدان شیطان صفت به وجود آمده است اعلام می‌دارم و تقرب به خدا و سپس تقرب به شما را می‌طلبم و دوستی شما و دوستی دوستان تان را جويا هستم. فرهنگ «موالات» نمایانگر نشانه‌هایی است که ما را به دین رهنمون می‌شود، و نیز عهده‌دار اصلاح تمامی حوزه‌های امور دنیوی ما است و مضامین و بیان مزبور در زیارت «جامعه کبیره» نوازشگر جان‌های عاشقان اهل بیت (ع) است: «و بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دینانا»؛ در سایه موالات و دوستی متقابل شما پاکان هستی، معالم دین - که همان نشانه‌های رساننده به دین است - تعلیم می‌شود و تمامی فسادهای دنیوی را - در شکل‌ها و نظام‌های مختلف آن اصلاح می‌گرداند. با این نگاه به موالات است که ما نه تنها نیازمند؛ بلکه ناچار و مضطر به موالات با شما هستیم و از تمامی بیگانگان و اندیشه‌ها و جریان‌های غیر وابسته شما، خود را جدا می‌سازیم؛ کانون تلاش و کوشش ما، تنها در جهت بسط «فرهنگ موالات» با شما است. با این نگاه آنچه مربوط به دشمنان شما و غیر از شما باشد، بر نمی‌تابیم و بر خود هیچ تسامح و تساهلی را روا نمی‌داریم بلکه با شدت تمام می‌تازیم و در این مسیر جان می‌بازیم. زیرا مجرای «فیض» الهی شما «فوز» و «نجات» آشیانه گرفته است. و «من أتیکم نجی و من فارقکم ضلّ»، هر کس از شما جدا شود، گمراه می‌گردد و تمامی هستی‌اش گم می‌شود. این همان «خوض» و به زمین فرو رفتن و در دل خاک گم شدن است. «بولایتکم فاز الفائزون»، یعنی با ولایت شما پاکان هستی است که می‌توان سر به آسمان عبودیت و قرب حق، سایید و جام «قرب حق» و «قرب شما» را یک جرعه سر کشید. این ادبیات موجود در متون دعایی (همانند زیارت جامعه و حدیث قدسی زیارت عاشورا) در جای جای وجود ما می‌خلد و دعوت حق را با فطرت انسان عجین می‌کند. در این صورت، حال تحمل دیگران را ندارم؛ مرا چه رسد به دشمنان شما که «رگ غیرت دینی» ام را از جا می‌کنند و هستی را بر من تنگ می‌کنند. آری ما «تولی و تبری» داریم و با خود دروغ نمی‌گوییم و با دیگران مزاح نمی‌کنیم «و اتقرب الی الله ثم الیکم بموالاتکم و موالاته ولیکم، وبالبرائة من اعدائکم و الناصبین لکم الحرب، و بالبرائة من اشیاعهم و اتباعهم، انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم». این سان «فرهنگ عاشورا» بر آسمان دل ما می‌بارد و گام به گام ما را به سمت و سوی فرهنگ سر سبز مهدوی روانه می‌سازد؛ و ما را در این معبر از «نینوا» تا «انتظار» همراهی می‌کند. ما باید از سرزمین گرم و خشک نینوا و دشت تفتیده و تکیده‌اش عبور کنیم و با کوله بار «فرهنگ عاشورا»، اُفق «انتظار» را نشانه رویم و غزل‌هایمان را این گونه سر دهیم: «السَّلام علی ربیع الانام و نَصْرَةَ الْاَیَّام؛ سلام بر بهار مردم و خرمی روزگاران». [زیارت مهدی عج در مفاتیح] «فَأَسْأَلُ الله الذی اکرمنی بمعرفتکم و معرفه اولیائکم و رزقنی البرائة من اعدائکم ان یجعلنی معکم فی الدنیا والاخره». وقت درخواست از خداوند فرا رسیده است؛ خدایی که معرفت شما و معرفت دوستان و اولیای شما را بر من کرامت فرموده و برائت و بیزاری جستن از اعدا و دشمنان شما را بر من روزی کرده است. در خواست و سؤال من این است که خداوند، من را در دنیا و آخرت با شما «پاکان و مطهران» قرار بدهد. «معیت و همراهی» با شما در دنیا و آخرت، درخواست من است؛ زیرا پس از شناخت و معرفت از «پاکان» و «پلیدان»، عشق و

محبت من نمی‌تواند «کور و سرگردان» باشد و من جهت خود و سمت و سوی قرب و بُعد خود را می‌یابم و شکل می‌گیرم و از گم شدن خودم، رهایی می‌یابم. می‌خواهم «وجودی سرشار» و در حال «زیاد» شدن و «فائز» گشتن بیابم. این در صورتی ممکن است که با «پاکان آزاد» از هر گونه پستی‌ها و زشتی‌ها همراه باشم و وجود خویش را «وسعت و عمقی» بالنده و رشد یابنده دهم. این حرکت را هم نهایی نیست و محدوده‌ای او را نمی‌تواند در حصار کشد؛ بلکه جهتی مستمر و بی‌نهایت را نشانه گرفته است. از این رو «معیت و همراهی» را در دنیا و آخرت و در «ظرف بی‌حصار» می‌طلبم. «وَأَنْ يُبَيَّنَّ فِي عِنْدِكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ درخواست دیگرم از خدا این است که در دنیا و آخرت، ثبات مرا در پیشگاه شما «پاکان» عنایت فرماید؛ به گونه‌ای که ثبات قدم صادقانه و حقیقی داشته باشم. در این «معیت و همراهی» با شما، افراد بسیاری بوده‌اند؛ ولی آن را درک نکرده‌اند و ثبات قدم صادقانه و حقیقی نداشته‌اند. «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمُحْمَدِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»، و از خدا درخواست می‌کنم که مرا به مقام پسندیده‌ای برساند که در پیشگاه خداوند برای شما وجود دارد. «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي كَمْ مَعَ إِمَامٍ هَدَى نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ»؛ درخواست می‌کنم به این که خون‌خواهی شما را همراه با امام مهدی، رهبر و راهنمای ظاهر و گویای به حق از خود شما روزی‌ام گرداند. پس از بصیرت یافتن، در دو حوزه «دشمن‌شناسی» و «معرفت پاکان و اولیاء» تعیین موضوع و شکل‌گیری ایمان (حب و بغض و سلام و لعن)؛ «فرهنگ عاشورا» به ما می‌آموزد که از خداوند بخواهیم تا «معیت و همراهی»؛ «ثبات قدم صادقانه»؛ «مقام محمود» و «خون‌خواهی ثار الله همراه با امام مهدی» را نصیب و بهره ما کند. هم‌چنین بیان می‌کند که نالایقان، چگونه حسین زهرا را در نینوا رها کردند و به طوفان «کرب» و «بلا» سپردند و دست از «معیت» او شستند و «ثبات قدم صادقانه» با وی نداشتند. نتیجه آن شد که «ثار الله»، زمین را گلگون و زمان را شفق‌گون کرد. و در زیر سنگ‌ها اشک عیب و خون تازه جاری شد. سیدالشهدا (ع) با یاران اندک ولی با وفایش، پرده جهالت و تحیر ضلالت را از رخ تاریخ کنار زد و مشعل راه یاب گیتی شد همان گونه که سپاهیان امام حسین (ع) غربال شدند و تنها یاوران پاک، خالص و با وفای او باقی ماندند؛ یاران حضرت مهدی نیز غربال خواهند شد. در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است: «والله لا يكون ما تمدون اليه اعينكم حتى تمحصوا و تميزوا و حتى لا يبقى منكم الا الأئدر فالأئدر؛ به خدا قسم آنچه که چشم به راه آن دارید انجام نپذیرد تا آن که پاک شوید و تمیز یابید و تا آن که نماند از شما مگر کمتر و باز کمتر». [۱۲]. امام باقر (ع) در پاسخ این سؤال که فرج شما کی خواهد بود، فرمود: «هیئات، هیئات لا يكون فرجنا حتى تغربلوا، ثم تغربلوا، ثم تغربلوا»، یعنی، فرج و ظهور حضرت اتفاق نمی‌افتد، مگر آن که شیعیان به شدت در امتحان الهی شرکت کنند». [۱۳]. و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «... هیئات، هیئات لا يكون الذي تمدون اليه اعناقكم حتى تمحصوا، [هیئات] و لا يكون الذي تمدون اليه اعناقكم حتى تميزوا و لا- يكون الذي تمدون اليه اعناقكم حتى تغربلوا...؛ هرگز، هرگز، آنچه بدان گردن کشیده‌اید و چشم انتظار آن هستید (- قیام مهدی (ع)) انجام نخواهد گرفت تا آن که «پاک» شوید و آنچه بدان گردن کشیده و منتظرش هستید، نخواهد شد تا آن که «تمیز» گردید، و آنچه چشم براهش هستید و گردن بدان کشیده‌اید، نشدنی است تا اینکه غربال» شوید [۱۴]. هم‌چنان باید مراقب احوال خود باشیم تا هجوم فتنه‌ها، شهوات و شبهات، رهنمی‌نکند و همچون مدعیانی نباشیم که گفتند: ای حسین! به کوفه در آی که ما سخت مشتاق دیدار و نصرت تو هستیم و همگان دیدیم که چون یخ در مقابل دما و گرما، آب شدند و ذیلان به خانه‌هایشان خزیدند و یا سفره‌های چرب، آنان را دین فروش ساخت. «انتظار»، آماده باش بودن است و آداب خود را می‌طلبد؛ از این رو در احادیث آمده است: «انتظار الفرج من اعظم الفرج؛ انتظار خود بزرگ‌ترین فرج است» [۱۵] و «انتظار الفرج من الفرج»؛ [۱۶] انتظار جزئی از فرج می‌باشد». زیرا منتظر در دوران انتظار مؤدب به آداب و ادبیات انتظار است و آن را تنها یک حالت نمی‌پندارد؛ بلکه می‌داند انتظار، برترین اعمال است. «انتظار الفرج، افضل الاعمال». [۱۷] منتظر کسی است که در حال آماده باش است. در روایتی آمده است «... کمن کان فی فسطاط القائم؛ [۱۸] هر کس که منتظر قائم آل محمد باشد، همانند کسی است که در خیمه جنگی حضرت در حال آماده باش است» گفتنی است که در زیارت، حضرت مهدی (عج) نیز مانند امام حسین (ع) «وتر



موتور» نامیده شده است از این رو شخص منتظر، از فرهنگ عاشورا می آموزد که و زمینه سازان قدرت ظلم و جور، از طریق فتنه، شبهات و شهوات، چگونه مردم آن عصر را رصد کرده و سالار شهیدان را تنها گذاشتند در نتیجه تصمیم می گیرد که مبادا همانند آن نامروتان، «مهدی زهرا» را تنها بگذارد و اسیر فریب‌های زمینه‌سازان قدرت دشمن اهل بیت شود: «اللهم لا تجعلني من خصماء آل محمد؛ پروردگارا مرا از دشمنان آل محمد قرار نده». زمینه سازان و مقدمه‌چینان قدرت ظلم و جور، به خوبی از شیطان آموخته‌اند که حوزه‌های وجودی آدمی را، چگونه در معرض شهوات قرار بدهند و به اعتیاد و عادت برسانند و پس از آن شبهات را نصب و علم کنند که در این صورت به خوبی نقشه آنان جواب می‌دهد. حضرت سجاد (ع) این شگرد شیطان را در «صحیفه سجّادیه» افشا می‌کند: «یتعرض لنا بالشهوات و ینصب لنا بالشبهات»، [۱۹]. امام حسین (ع) فرمود: «له غیبه یرتد فیها اقوام و یتب علی الدین فیها آخرون فیؤذون و یقال لهم متی هذا الوعد ان کنتم صادقین؛ اما ان الصابر فی غیبه علی الأذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله؛» [۲۰] برای امام مهدی (عج) غیبتی است. در این غیبت برخی از دین بر می‌گردند و برخی ثابت قدم می‌مانند. هر که در این غیبت صبر کند و بر مشکلاتی که از سوی دشمنان ایجاد می‌شود و بر ایجاد شبهاتی از این قبیل که اگر شما راست می‌گویید وعده ظهور کی خواهد بود؟ استقامت کند، به قدری از اجر خداوند بهره‌مند می‌گردد که انگار در کنار پیامبر با شمشیر بر دشمنان جنگیده است. شیاطین و زمینه سازان قدرت ظلم و جور، با ترفندهای گوناگون و جاذبه‌دار در صدد رهزنی یاران حضرت ولی عصر (عج) خواهند بود. باید بر انواع اذیت‌ها، آزارها، تکذیب‌ها، فتنه‌گری‌ها و شبهه افکنی‌ها صبر و استقامت داشت. دشمنان می‌خواهند که حضرتش برای همیشه «وتر موتور» و تنها گذاشته شود. آنان طرح و نیت‌هایی دارند: با آن حضرت عداوت‌ها و دشمنی‌ها دارند. «اللهم اذلّ کلّ من ناواه؛ خدایا هر که نیت بدی نسبت به او دارد، ذلیل گردان». و «و اهلک کل من عاداه؛ خدایا همه دشمنان او را هلاک گردان». آنان برای او مکر و کیدهایی در نظر دارند: «وامکر لمن کاده؛ خدایا با کسانی که برای [مهدی] مکر و کید می‌کنند، خودت مکر بفرما». منکر حقّ و حقانیت حضرت می‌باشند: «واستأصل من جحدته حق؛ خدایا ریشه کن فرما کسی را که منکر حقانیتش می‌باشد». و امرش را سبک می‌شمارند: «واستهان بامره؛ خدایا! کسی که امر حضرت صاحب را سبک بشمارد ریشه کن فرما». سعی و تلاش دارند که نورش را خاموش سازند: «و سعی فی اطفاء نوره» و می‌خواهند که ذکر و یاد مهدی را به دست فراموشی بسپارند: «و اراد اخماد ذکره». [۲۱]. آنان همچنان که سالار شهیدان را با انواع طرح‌ها، تنها و بی‌یاور ساختند؛ می‌خواهند امام عصر (عج) نیز تنها و بی‌یاور بماند. نباید دل خوش داشت که ما دغدغه غیبت و آرزوی ظهورش را داریم؛ زیرا بسیاری برای امام حسین (ع) نامه دعوت نوشتند و خیلی از او یاد کردند؛ اما در موقع نیاز، آن حضرت را تنها گذاشتند! امام صادق (ع) می‌فرماید: «اذا خرج القائم خرج من هذا الامر من کان یری انه من اهله و دخل فیه شبه عبده الشمس و القمر؛ چون قائم قیام کند، کسی که خود را اهل این امر می‌پنداشته است، از این امر بیرون می‌روند، در مقابل، افرادی مانند خورشید پرستان و ماه پرستان، به آن می‌پیوندند». [۲۲]. پس «انتظار» [۲۳] ثبات قدم می‌خواهد: «ثبتنا علی مشایعته [۲۴]؛ خدایا ما را بر دنباله روی و شیعه بودنش، ثابت قدم بدار» مگر نه این است که دشمنان امام حسین (ع) سابقه‌های ویژه‌ای داشتند و از خواص بودند؟! آری «نینوا» معارف و عبرت‌ها را بر ما تمام کرده و اتمام حجت نموده است. باید از خدا بخواهیم که: «و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم دون الحسین (ع)». [۲۵] ثبات قدم صادقانه و با حسین بودن را و همانند اصحاب حسین بودن را باید بخواهیم تا این که این جریان ادامه یابد و در رکاب فرزندش مهدی موعود جزء خون خواهان ثار الله باشیم و این گونه نینوا را معبر انتظار سازیم.

## پاورقی

- [۲] مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۱۸.
- [۳] زیارت اربعین امام حسین (ع).
- [۴] زیارت عاشورا.
- [۵] سوره والعصر.
- [۶] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵، ح ۳۹.
- [۷] وتر موتور؛ هم در خصوص امام حسین (ع)، و هم در خصوص حضرت مهدی در زیارات آمده است؛ و آن به معنای تنهایی تنها گذاشته شده می باشد.
- [۸] دعای ندبه.
- [۹] موسوعه امام حسین، ص ۶۶۷.]
- [۱۰] بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.
- [۱۱] مصباح المتهدد، شیخ طوسی، المحرم و شرح زیارة الحسین (ع)، ص ۷۱۳ و ۷۱۴، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.
- [۱۲] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۰۸، ح ۱۵.
- [۱۳] تاریخ عصر غیبت، ص ۷۱؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۳۳.
- [۱۴] کتاب الغیبه، شیخ طوسی، همان، ص ۲۰۸، ح ۱۶.
- [۱۵] بحار الانوار، ج ۵۲.
- [۱۶] همان.
- [۱۷] همان. بحار ج ۵۲.
- [۱۸] بحار ج ۵۲.
- [۱۹] صحیفه سجادیه، دعای ۲۵، دعای در حق اولاد.
- [۲۰] تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی، ص ۲۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳.
- [۲۱] در اعمال روز جمعه، مفاتیح.
- [۲۲] مجله انتظار، ص ۱۵۸، غیبت نعمانی، ص ۴۲۴.
- [۲۳] مجله انتظار، ص ۱۵۸، غیبت نعمانی، ص ۴۲۴.
- [۲۴] دعا در غیبت امام زمان علیه السلام.
- [۲۵] زیارت عاشورا.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید  
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی  
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند  
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۰۲۳۵۷۰۲۳-۲۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۰۹۵۳۰۶۲۱، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».